

عنوان مقاله:

رازکنش های شخصیتی شمس الدین تبریزی و محمد مولوی از دیدگاه نظریه روان کاوی اجتماعی

محل انتشار:

سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روانشناسی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

زکبه فتاحی - استادیار، گروه علوم انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

سید فیض اله افزای زاده - گروه روانشناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

خلاصه مقاله:

یکی از برجسته ترین شاعران فارسی زبان ایرانی مولانا جلال الدین محمد مولوی است که از نظر کثرت اشعار نیز بزرگترین و بالاترین رتبه را کسب کرده است. زندگی مولانا جلال الدین مولوی دارای فراز و نشیب هایی بوده است و تغییر رویه در زندگی این شاعر بزرگ ادبیات فارسی بسیار متفاوت و شگرف تر از تغییراتی است که در زندگی دیگر شاعران ادبیات فارسی بوجود آمده است. برخورد شمس و مولوی چنان اتفاقی نادر و یگانه است که تا کنون در پرده ابهام مانده است و اگر کتابی در این باره نوشته شده است نیز استناد کاملی ندارد. از نظر روانشناسی اجتماعی ملاقات یا برخورد شمس و مولوی اتفاقی است که هر دو نفر را در درجه ای از ابعاد نا هشیار زندگی که داشته اند وارد می کند. و بروز ظهور جنبه هایی دیگر از شخصیت آنها را در پی دارد. اما در این برخورد، شمس انتخاب گر کی شود و اوست که در پی نقاب های تازه و وارد شدن به ابعاد جدید شخصیت خود است، اما در این بین انقلاب روحی مولوی نیز اتفاق می افتد و این تغییر و برای مولانا شگرف تر جلو پیدا می کند. مقاله به جلوه های مختلف این دو شخصیت و تغییر و تحولات شخصیتی آنها از دیدگاه روانشناسی اجتماعی کارن هورنای می پردازد.

کلمات کلیدی:

شمس تبریزی، شعر، روانشناسی، روانکاوی اجتماعی، مولوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/767356>

